



۲۰۱۹/۰۳/۲۴



عبدالبصیر عظیمی

## طالبان نظام را قبول ندارند یا حکومت را؟ حکومت موقت نوش دارو یا جام زهر؟

حال و هوای سیاسی این روزهای افغانستان آدم را میترساند. قدرت و سیاست همه چیز را مسخ کرده و بیرحمانه یا قربان گاهی برای «غیرخودی‌ها» و یا دستخوانی از بیت‌المال برای «خودی‌ها» شده است. «خودی» و «غیرخودی» مرزبندی جدید ادبیات سیاسی این روزهای آلوده پایتخت افغانستان است؛ آلودگی‌ای که نفس کشیدن را سخت کرده، دیدها را تا اول جوزا تنزل داده و مذاکرات با طالبان را در محراق توجه قرار داده است. مذاکرات با طالبان این روزها بیش از هر موضوع دیگری در حال قطبی کردن فضای سیاسی - اجتماعی افغانستان است. فضای سیاسی‌ای که بعد از ثبت نام تکت های انتخاباتی ریاست جمهوری منتظر بهانه برای صف آرایی و اظهار وجود بوده است. علیرغم اینکه درباره ضرورت صلح با طالبان زیاد صحبت و نگاشته شده، اما کمتر میکانیزم‌های عملی برای تحقق صلح و مدیریت موضوعات پسا صلح ارائه شده و بیشتر چشم اندازها به این پروسه ملی به سطح کشمکش‌های روزمره بر سر تعریف جایگاه اشخاص و جریان‌های سیاسی در مذاکرات صلح تقلیل یافته است.

مطالعات اخیر انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان تحت عنوان «حل سیاسی منازعه افغانستان» با واکاوی چهار الگوی مختلف: (۱) اشتراک طالبان در انتخابات؛ (۲) تمرکز زدایی قدرت؛ (۳) شریک شدن در قدرت؛ و (۴) تشکیل حکومت موقت، شاید اولین پژوهش جدی برای حل منازعه افغانستان باشد و در نوع خود منحصر به فرد است. داکتر عمر صدر، پژوهشگر ارشد این انستیتوت و نویسنده مطالعات متذکره، با ریشه‌یابی و بررسی عوامل منازعه افغانستان دریافته است که عملی شدن همه الگوهای متذکره با مشکل جدی روبه‌رو است و دست‌یابی به یک توافق سیاسی با طالبان حتا در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن مبهم، مغلق و پرمخاطره است.

بنابر این سوال بنیادی این است که چرا هیچ‌کدام از الگوهای متذکره که داکتر عمر صدر آنها را با دقت بررسی کرده، نتوانسته حتا به صورت تئوریک جوابگوی منازعه افغانستان باشد؟ دلیل ریشه‌ای چیست؟ آیا طالبان نظام کنونی جمهوری اسلامی افغانستان را قبول دارند و صرف مشکل آنها با جایگاه اشخاص و جریان‌ها در ساختار قدرت است یا برعکس اصلاً مبنای نظام کنونی را قبول ندارند و خواهان تهداب‌گذاری نظامی دیگر هستند؟ در این نوشته، پاسخ‌ها به این سوال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. چرا طالبان در انتخابات اشتراک نمیکنند؟ اشتراک در انتخابات به معنای قبول مشروعیت و مقبولیت نظام است. طالبان در هجده سال گذشته در هیچ انتخاباتی اشتراک نکرده‌اند، حتا در دوره حکومت طالبان یک انتخابات هم برگزار نشد و اکنون نیز دیده میشود که حاضر به اشتراک در انتخابات‌های بعدی نیستند. با این نظام و

حامیان آن جنگیدند و کشته گان شان را شهید و غازی نامیدند. طالبان هیچگاه حاضر به قبول جمهوریت نظام، ارزش های دموکراتیک و برگزاری انتخابات مطابق قانون اساسی کنونی نشده و حتا از موضع شان یک قدم هم عقبنشینی نکرده اند. جنگ طالبان مبنای ایدیولوژیک دارد و تهداب مانفیست آنها مخالفت با تهدابگذاری این نظام بوده است. بنابراین حتا طالبان با فرض ایجاد حکومت موقت، باز هم حاضر به اشتراک در انتخابات نخواهند شد. اشتراک طالبان در انتخابات زیر چتر نظام و قانون اساسی کنونی، به مثابه انتحار سیاسی علیه خودشان است و میتواند در صفوف آنها گسست ایجاد کند، خصوصاً با طالبانی که در قریه و قصبات و در قاعده هرم تشکیلاتی آنها قرار دارند.

۲. چرا طالبان با تمرکز زدایی قدرت در افغانستان مخالف اند؟ تمرکز زدایی قدرت اگر به معنای توانمند سازی ساختارهای محلی و واگذاری بخشی از آنها به طالبان باشد، مطمئناً نه تنها با مفکوره ایجاد امارت اسلامی طالبان در تضاد است، بلکه با رویکرد طالبان نسبت به ساختار قدرت نیز همخوانی ندارد. طالبان هیچگاه خواهان تفویض صلاحیت ها از مرکز به ولایت و یا تقویت حکومت داری محلی مشابه کشورهای غربی نبوده اند. آنها خواهان حضور پررنگ در تمام ولسوالی ها، قریه ها و قصبات و حتا در سطح کوچکترین نهاد اجتماعی یعنی «خانواده» بوده اند تا بر همه بخش های کشور از پایین به بالا تسلط داشته باشند که این نقطه مقابل تمرکز زدایی به معنای مدرن آن است.

از طرف دیگر تمرکز زدایی در ساختار قدرت، پروسه اصلاحی و از درون نظام است و اینکه طالبان حتا حاضر به مذاکره با نمایندگان داخل نظام کنونی نمیباشند، مبین این است که طالبان نظام کنونی را از ریشه قبول ندارند.

۳. چرا طالبان حاضر به اشتراک در قدرت نیستند؟ قانون اساسی چگونه توزیع قدرت را در نظام کنونی مشخص کرده است؛ قدرتی که عمدتاً از طریق انتخابات ها توزیع و کنترل میشود. چطور میشود قدرت را با طالبان به اشتراک گذاشت وقتی آنها حاضر نشدند که در انتخابات پارلمانی (قوه مقننه) اخیر اشتراک کنند و انتخابات ریاست جمهوری (رییس دولت و قوه مجریه) تا چند ماه دیگر بدون تکت های انتخاباتی طالبان برگزار خواهد شد و اعضای استرزه محکمه (قوه قضاییه) توسط رییس جمهور آینده تعیین خواهد شد. عدم اشتراک، تحریم و به مشکل کشیدن انتخابات ها در افغانستان توسط طالبان، نشان میدهد که آنها به بخش جمهوریت نظام کنونی باور ندارند. طالبان بار بار از قبول نداشتن قانون اساسی افغانستان که مبنای نظام موجود است، صحبت کرده اند.

۴. چرا طالبان خواهان تشکیل حکومت موقت هستند؟ حکومت موقت علیرغم اینکه بسیار پرمخاطره و غیر قابل پیشبینی است، هیچ فرصت جدیدی را برای طرف های منازعه افغانستان ایجاد نمیکند. فرض شود رهبران حکومت وحدت ملی که نماینده انتخابی و قانونی مردم افغانستان هستند، جای شان را به چند شخصیت توافقی بدون پشتوانه مردمی بدهند، آن وقت چرا باید طالبان حاضر به مذاکره با آنها شوند؟ چه تفاوتی با نظام کنونی ایجاد میشود، جز از بین رفتن نظم و ساختار سیاسی و اجتماعی موجود؟ گاهی مطرح میشود که پس از ایجاد حکومت موقت، تدابیری برای تعدیلات در قانون اساسی مطابق خواست طالبان صورت خواهد گرفت! اما سوال این است که چه تضمینی برای ایجاد اجماع ملی به شمول طالبان روی موارد تعدیل قانون اساسی وجود دارد؟ حکومت موقت راه حل مشکلات نیست و در خوش بینانه ترین حالت ممکن شروع یک پروسه مبهم و غیرمطمین است که باعث تأثیرات منفی اقتصادی، فرار سرمایه ها و بازگشت به دو دهه گذشته است.

اینکه بعضی از شخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی در نقش وکیل مدافع طالبان ظاهر میشوند و تلاش برای جلوه دادن حل شدن منازعه افغانستان از طریق حکومت موقت میکنند، جای ریشه‌یابی دارد. حکومت موقت چه نوش دارویی است که میتواند منازعه افغانستان را حل کند، جز اینکه اوضاع را از کنترل خارج و فرصت را برای مخالفان نظام ایجاد میکند؟ بنابراین نباید پروسه‌های ملی قربانی کمپین‌های انتخاباتی شود. حکومت موقت هیچ ارتباطی با شروع مذاکرات بین‌افغانی صلح ندارد. این مذاکرات باید با حضور دولت افغانستان تا حالا شروع میشد. مذاکرات بدون حضور دولت افغانستان، جنبه اجرایی ندارد و حضور دولت در مذاکرات فرصت‌های بیشتری را برای توافقات احتمالی صلح ایجاد می‌کند.

اگر نظام کنونی قربانی قناعت دادن طالبان برای مذاکرات صلح و شروع یک پروسه پرمخاطره و نامطمین می‌شود، در مقابل چه چیزی را مردم افغانستان به دست می‌آورند؟ در آن طرف طالبان حاضر به قربانی چه چیزهایی هستند و تا کجا حاضر به عقب‌نشینی از مانفیسیت هجده ساله خودشان هستند؟ بنابر این نباید صرف در مقابل شروع مذاکرات ذوق زده شد و برعکس باید تمام ریسک‌های احتمالی آن به صورت منطقی مدیریت شود. مدیریت این ریسک‌ها نیازمند حفظ تمام ساختارهای نظام کنونی الی عملی شدن نتایج پروسه صلح که آنهم باید مورد توافق تمام مردم این کشور باشد، میباشد. چه تضمینی برای عملی شدن توافقات احتمالی صلح با طالبان وجود دارد؟ این تضمین چطور و توسط کدام نهاد ارایه میشود و آیا از اعتبار کافی برخوردار است؟

منتسکیو (Montesquieu) در کتاب روح القوانين (The Spirit of the Laws) تأکید می‌کند که تمرکز قدرت به خود کامه‌گی می‌انجامد و برای آنکه نتوان از قدرت سوء استفاده کرد، باید ساختار قدرت طوری تنظیم شود که خود قدرت، قدرت را کنترل کند. بنابر این تنها حفظ نظام کنونی کشور است که میتواند قدرت طالبان را در پروسه صلح از جمله مذاکرات، توافقات، عملی شدن و موضوعات پسا صلح کنترل کند. «حکومت موقت» یا بهتر است با صداقت بیشتر گفته شود «دولت موقت» فقط اوضاع را از کنترل خارج خواهد کرد و طالبان را در موضعی با اقتدار تر از قبل قرار خواهد داد.